

یادداشت

اقتصاد پایدار با مشارکت زنان

علی جوانمردی

سطح تحصیلات زنان در سطح جهانی، افزایش یافته است و زنان تحصیل‌کرده درآمد بیشتری نسبت به همسالان دیگر خود دارند؛ اما شکاف جنسیتی، تفاوت بین تعداد زنان و مردان فعال اقتصادی، همچنان ادامه دارد. زنان ۴۹.۶ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما فقط ۴۰.۸ درصد از بازار کار رسمی جهانی را تشکیل می‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد که شکاف جنسیتی جهانی همچنان قابل بحث است. شرکت‌های متعلق به زنان با تحت مدیریت آنها کمتر از شرکت‌های متعلق به مردان وام دریافت می‌کنند و شرکت‌های متعلق به زنان دارای مشکلات پیچیده‌ی بیشتر از شرکت‌های متعلق به مردان است. به گزارش بانک جهانی، در بخش کشاورزی افزایش دسترسی زنان به منابع تولیدی (متناسب با سطح دسترسی مردان) می‌تواند تا چهار درصد افزایش بهره‌وری داشته باشد. در بخش‌ها و مشاغل تحت سلطه مردان، رفع موانع ورود زنان می‌تواند باعث افزایش بهره‌وری تا ۱۳ تا ۲۵ درصد شود و در یک گروه مهندسی، ساخت‌وساز و مواد شیمیایی، پس از استخدام زنان، بهره‌وری بالاتری گزارش شده است؛ زیرا ترکیب جدید جنسیتی منجر به توسعه روش‌های جدید کار شده است و چارچوب فرایندهای کسب‌وکار به گونه‌ای متفاوت پیش رفته است که باعث رشد شرکت شده است. به عنوان مثال، یک تیم به رهبری زنان با اکثریت کارگران زن، وظایف مونتاژ الکترومکانیکی را ۲۵ درصد سریع‌تر از تیم‌هایی با اکثریت کارگران مرد انجام دادند. بنابراین مهم است بدانیم تنوع جنسیتی برای اقتصاد مفید است، برابری فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان با کاهش فقر و افزایش سطح تولید ناخالص داخلی مرتبط است. برای مثال، تخمین زده می‌شود که موانعی که مانع از تحقق پتانسیل اقتصادی زنان می‌شود، برای منطقه آسیا و اقیانوسیه چیزی بین ۴۲ تا ۴۶ میلیارد دلار ضرر تولید ناخالص داخلی داشته است. یک مطالعه در ترکیه افزایش مشارکت نسبتاً پایین زنان در نیروی کار را ۳۳ درصد به ۲۹ درصد شبه‌سازی کرد و دریافت که اگر زنان مشاغل تمام‌وقت را بر عهده بگیرند، می‌تواند به کاهش فقر تا ۱۵ درصد یا اگر مشاغل پاره‌وقت داشته باشند، به کاهش فقر تا هشت درصد کمک کند. همچنین در برخی از کشورهای درحال‌توسعه به‌ویژه در شمال آفریقا نرخ مشارکت زنان با توجه به سطح تحصیلات و سن جمعیت، کمتر از حد انتظار و به ویژه کمتر از نرخ مردان است. افزایش نرخ مشارکت در نیروی کار به سطح مورد انتظار، درآمد خانوار را تا ۲۵ درصد افزایش می‌دهد که عدد قابل توجهی است. ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم فعالیت بخش خصوصی بر ایجاد شغل نیز می‌تواند به بهترین نحو در کاهش فقر نقش داشته باشد. بخش خصوصی که حدود ۹۰ درصد مشاغل را در کشورهای درحال‌توسعه تأمین می‌کند، باید پاسخی باشد به درک محدودیت‌هایی که در ایجاد شغل با آن مواجه است و بخش دولتی و مؤسسات مالی بایستی توسعه یابند تا به رفع موانع و حذف یا به حداقل رساندن آن کمک کنند. جهان با یک چالش دوگانه شغل روپوهو رو است: ایجاد تعداد زیادی شغل و ایجاد مشاغل بهتر برای نیروی کار جدیدی که با یک پتانسیل متفاوت وارد بازار کار می‌شوند. بر دو دهه آینده اطمینان حاصل شود که با ورود میلیون‌ها جوان به بازار کار، بیکاری بیشتر افزایش نمی‌یابد. ایجاد شغل در بخش خصوصی به طور جدایی‌ناپذیری با توسعه کلی و کاهش فقر مرتبط است و این امر درک چگونگی ایجاد شغل توسط بخش خصوصی را بسیار مهم می‌کند. این دقیقاً نقش حمایتی بخش دولتی را عیان می‌کند از جمله: فراهم‌کردن محیط اقتصاد کلان لام و فضای سرمایه‌گذاری امن برای همکاری بیشتر شرکت‌ها و به‌کارگیری زنان در جامعه برای آنکه وجوه جدیدی از فعالیت‌ها به ثمر رسد. توسعه بدون ایجاد شغل نمی‌تواند اتفاق بیفتد. بنابراین، جهان باید اکنون برای رسیدگی به چالش عظیم شغلی که با آن مواجه است، اقدام کند. پیام اصلی برای سیاست‌گذاران این است که ایجاد شغل، توسعه اجتماعی-اقتصادی و کاهش فقر مستقل نیستند و بنابراین سیاست‌هایی که با این موارد مرتبط هستند باید به صورت یکپارچه طراحی و اجرا شوند. به طور خاص، سیاست‌های شغلی باید اساس هر سیاست توسعه‌ای باشند و باید با چالش دو جانبه ایجاد شغل و شغل بهتر مقابله کنند. پیام دوم این است که از آنجا که بخش خصوصی موتور اصلی رشد و ایجاد شغل است، درک اینکه چه چیزی باعث ایجاد شغل می‌شود و چه موانعی مانع از ایجاد شغل توسط بخش خصوصی می‌شود، اساسی است. هدف درک اثرات محدودیت‌ها و سیاست‌های حذف آنها بر ایجاد شغل است، ضمن اینکه شرایطی را که تحت آن این سیاست‌ها احتمالاً مؤثر خواهند بود، شناسایی کنیم.

خبر

نفت برنت به زیر ۶۰ دلار سقوط کرد

قیمت نفت در معاملات روز دوشنبه بازار آسیا، در واکنش به تصمیم اوپک‌پلاس برای تسریع افزایش تولید و تشدید نگرانی‌ها نسبت به مازاد عرضه، بیش از دو دلار در هر بشکه کاهش یافت. به گزارش ایسنا، بهای معاملات آتسی نفت برنت با دو دلار و ۲۱ درصد معادل ۳۰.۶۱ درصد کاهش، به ۹۶ دلار و هشت سنت در هر بشکه رسید. بهای معاملات وست‌تگزاس اینترمیدیت آمریکا با دو دلار و ۲۹ سنت معادل ۳۰.۹۳ درصد، به ۵۶ دلار در هر بشکه رسید. هر دو شاخص در زمان گشایش معاملات روز دوشنبه، در واکنش به تصمیم اوپک‌پلاس برای افزایش ۴۱۱ هزار بشکه‌ای تولید روزانه در ژوئن، به پایین‌ترین حد از ۹۰ آوریل سقوط کرده بودند. اوپک‌پلاس که شامل اعضای اوپک و متحدانشان نظیر روسیه است، روز شنبه، با افزایش چشمگیر تولید در ژوئن موافقت کردند و به این ترتیب، مجموع افزایش تولید این گروه در آوریل، می و ژوئن، به ۹۶۰ هزار بشکه در روز می‌رسد که به‌منزله حذف ۴۴ درصد از ۲.۲ میلیون بشکه در روز محدودیت عرضه است که از سال ۲۰۲۲ اجرا شده است. تیم اپواز، بنیان‌گذار شرکت «اپواز آن انرژی»، در یادداشتی گفت: تصمیم سوم می اوپک‌پلاس برای افزایش سهمیه تولید به میزان ۴۱۱ هزار بشکه دیگر در ژوئن، به انتظار بازار مینی بر اینکه تعادل عرضه و تقاضای جهانی به سمت مازاد می‌رود، می‌افزاید. منابع اوپک‌پلاس به روبرتز گشتند که اگر افزایش پایبندی به سهمیه‌های تولید خود را بهبود نبخشند، این گروه ممکن است تا پایان اکتبر، به طور کامل کاهش‌های داوطلبانه خود را لغو کند. به گفته منابع آگاه، عربستان سعودی با فشار بر اوپک‌پلاس برای افزایش تولید، به دنبال تنبیه برخی از اعضا شامل عراق و قزاقستان است که پایبندی ضعیفی به سهمیه تولیدیشان داشته‌اند. بانک بارکلیز و شرکت آی‌ان‌جی، در پی تصمیم اوپک‌پلاس، پیش‌بینی خود از قیمت نفت برنت را پایین بردند. بارکلیز، پیش‌بینی قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۵ را ۲۰ چهار دلار کاهش داد و ۶۶ دلار در هر بشکه تخمین زد و قیمت سال ۲۰۲۶ را با دو دلار کاهش، ۶۰ دلار برآورد کرد. شرکت آی‌ان‌جی هم انتظار دارد میانگین قیمت نفت برنت در سال جاری، به ۶۵ دلار برسد که ۷۰ دلار کمتر از پیش‌بینی قبلی است. براساس گزارش روبرتز، آماربریت سینگ، تحلیلگر بارکلیز، در یادداشتی نوشت: اکنون انتظار داریم اوپک‌پلاس محدودیت عرضه اضافی را تا اکتبر سال ۲۰۲۵ حذف کند. اما انتظار دارد رشد نفت تحت آمریکا هم اندکی آهسته شود. تأثیر تولید بالاتر اوپک‌پلاس و تولید کمتر آمریکا، برآورد بارکلیز از رشد عرضه در سال ۲۰۲۵ را ۲۹۰ هزار بشکه در روز و رشد عرضه در سال ۲۰۲۶ را ۱۱۰ هزار بشکه در روز رساند. بازار نفت با عدم قطعیت تقاضا در پنجوبه ریسک تعرفه‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند و این تغییر در سیاست اوپک‌پلاس، به ابهامات در بخش عرضه می‌افزاید.



عکس:خسرو انصاریان

تعارض منافع؛ پشت پرده رسوب کالا در بنادر

می‌کند، هیچ فشاری برای خروج سریع کالا به سمت بنادر خشک یا مراکز مصرف داخلی وجود ندارد. حتی در برخی موارد، پیشنهادات مشخص برای فعال‌سازی حمل یکسره با انتقال کمرک به مناطق پس‌کرانه‌ای، از سوی سازمان بنادر با بی‌توجهی یا مقاومت مواجه شده‌اند. دلیل این رفتار روشن است: کاهش توقف کالا، یعنی کاهش درآمد. این در حالی است که جریمه‌های عدم ترخیص کالا در برخی بنادر برتر جهان به نحوی است که تجار را مجبور به ترخیص هرچه سریع‌تر کالا از محوطه‌های بندری می‌کند.

فشار بر چرخه تجاری کشور، بازایی سود برای سازمان بنادر

بیشترین فشار این ساختار معیوب، متوجه بخش خصوصی است. بازرگانانی که کالای خود را از طریق بندر وارد کشور می‌کنند، به دلیل ماندن چندروزه یا حتی چند هفته‌ای کالا در بندر، باید مبالغی قابل توجه به عنوان حق انبارداری بپردازند. این هزینه‌ها در کنار دمسوراز، هزینه حمل، هزینه خدمات بندری و گمرکی، باعث می‌شود قیمت تمام‌شده کالای وارداتی افزایش یابد. در بسیاری از موارد، این هزینه‌ها به قدری بالاست که برخی واردکنندگان کوچک‌تر قید ترخیص را می‌زنند یا کالا را رها می‌کنند. کالاهایی که در نهایت، با فاسد می‌شوند یا با تأخیر بسیار زیاد ترخیص شده و روانه بازار می‌شوند آن‌هم در شرایطی که کشور به مواد اولیه و کالاهای اساسی نیاز فوری دارد. برخی از حوادثی مشابه انفجار ۶ اردیبهشت تحت تأثیر اتفاقات متمرکزترین مرکز لجستیک دریایی ایران قرار می‌گیرند. بخش قابل توجه دیگر این شیوه مدیریت، معطلی محموله‌های ترانزیتی است که زمان و چالاک‌ی عملیات حمل بالاترین اولویت را برای آنها دارد. نتیجه آنکه ضعف امروز کربدورهای ترانزیتی کشور تا حد زیادی منشعب از همین ساختار غیربهرینه است.

آیا راه‌حلی وجود دارد؟

پاسخ مثبت است، اما نیازمند یک تصمیم سیاسی جدی است. تا زمانی که ساختار درآمدی سازمان بنادر تغییر نکند، انتظار تحول واقعی در سرعت ترخیص و کاهش رسوب کالا بهبوده خواهد بود. بنادر باید از مدل «درآمد از توقف» به سمت «درآمد از جریان» تغییر کنند. این یعنی تمرکز سازمان باید بر جذب کشتی‌های بیشتر، افزایش گردش کالا، توسعه اتصال ریلی و پشتیبانی از بنادر خشک باشد. در مدل جایگزین، هر روز ماندن کالا در بندر، باید برای سازمان زیان تلقی شود، نه سود. فقط در این صورت است که سیستم به طور درونی، انگیزه لازم برای تسریع و بهبود فرایندها را پیدا خواهد کرد. همچنین با شفاف‌سازی کامل داده‌های مربوط به مدت توقف کالا، میزان انبارداری و سهم درآم‌د حاصل از آن، امکان نظارت عمومی و رسانه‌ای بر عملکرد سازمان بنادر افزایش می‌یابد.

یک نظام لجستیکی بیمار، آینده ندارد

آنچه امروز در بندر شهید رجایی می‌گذرد، فقط یک اختلال اجرائی نیست، نمونه‌ای است از یک نظام لجستیکی بیمار است که به‌جای کاهش هزینه مبادله، خودش به منبع هزینه تبدیل شده است. با ادامه این روند، نه‌تنها تجار داخلی دلسرد می‌شوند، بلکه بنادر رقیب در منطقه مانند جبل‌علی، مسقط و مرسین، به‌راحتی جایگاه ایران را در ترانزیت و تجارت منطقه‌ای تصاحب خواهند کرد. ایران نمی‌تواند با چنین ساختاری در مسیر کربدور شمال – جنوب یا اتصال به راه ابریشم جدید رقابت کند. مسیر آینده، فقط از دل اصلاحات ریشه‌ای عبور می‌کند؛ اصلاحاتی که از بندر آغاز می‌شود و تا آخرین انبار داخلی ادامه می‌یابد.

اتصال مراغه به تمرچین، رؤیای بزرگ در مسیر تحقق

بازه زمانی عید نوروز هیچ تصادف حادثه‌سازی که باعث جرح یا فوت بشود در این مسیر گزارش نشد. بحث روشنایی ذیل یکی از مسائل اساسی کشور در حوزه تأمین انرژی قرار می‌گیرد و به نوعی به آن وابسته است. با این حال از طرق قانونی از هیچ تلاشی برای اضافه‌شدن امکانات روشنایی فروگذار نخواهیم کرد.
اهمیت این آزادراه از نظر ترانزیت بین چه کشورهایی است؟ همین‌طور اشاره کردید به مشکلات بودجه‌ای. آیا همچنان نیاز هست که دولت برای ادامه این آزادراه یا تکمیل آن مشارکتی کند؟

ترانزیتی که عرض کردم، آزادراه مراغه – هشتروند با اینکه در داخل کشور قرار دارد، به طور غیرمستقیم نقش بسیار مهمی در تقویت ترانزیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. این مسیر/آزادراه درواقع بخشی از شبکه حمل‌ونقل شمال غرب ایران است که به عنوان شاهراهی برای اتصال کشورهای همسایه به یکدیگر استفاده می‌شود. کشورهایی که تحت تأثیر قرار می‌گیرند، بیشتر ترکیه است. ایران از طریق مرز بازرگان به ترکیه ارتباط دارد. آزادراه مراغه – هشتروند مسیر دسترسی مرزها را کوتاه‌تر و روان‌تر می‌کند. کشورهایی مثل جمهوری آذربایجان هست که از طریق مرز نوردوز و بیله‌سوار ارتباط برقرار می‌کنند، حتی کشور آذربایجان که امنیت زیرساخت‌های جاده‌ای در شمال غرب کشور امکان ترانزیت سریع‌تر کالا به باکو و از آنجا به روسیه را فراهم می‌کند. با توجه به اهمیت کربدور شمالی و ترانزیت به سمت ارمنستان، گرجستان و دریای سیاه، از این مسیر منتفع می‌شود، همچنین کشور عراق هست. درواقع این آزادراه به بهبود مسیرهای داخلی به سمت استان‌های غربی و درنهایت مرزهای عراق کمک می‌کند و به هر حال در آینده همچنان که خانم وزیر هم فرمودند، این آزادراه می‌تواند بخشی از کربدور شرقی – غربی کشور هم محسوب شود. آزادراه مراغه – هشتروند بخشی از پازل بزرگ‌ترین شبکه ترانزیتی ایران است و نقش مکملی در کربدورهای ترانزیتی شرق به غرب، چین به اروپا و شمال به جنوب روسیه به خلیج فارس می‌تواند ایفا بکند و تقویت این زیرساخت باعث افزایش رقابت‌پذیری ایران در ترانزیت بین‌المللی و قطعاً افزایش‌های درآمد‌های ترانزیتی کشور هم می‌تواند باشد. برای ادامه این پروژه، سرمایه‌گذاری این پروژه مشارکتی است. ۶۰ درصد از سوی دولت، ۲۰ درصد بانک سپه و ۲۰ درصد قرارگاه خاتم مشارکت کردند. به هر حال الان از طریق مولدسازی، دولت و وزارت راه چون پای کار است و برای تقویت نقش این آزادراه با توجه به نقش آن در بهبود وضعیت ترانزیتی و کربدورها، آن دارایی‌ها و اموالی که لازم است، به عنوان سهم دولت شناسایی و معرفی شدند و بانک سپه و قرارگاه خاتم هم پای کار هستند و ان‌شاءالله ادامه مسیر با سرعت بیشتری ادامه پیدا کند.

اگر این تأمین بودجه اتفاق بیفتد، در کدام بازه زمانی تکمیل خواهد شد؟

مختلف است. من فکر می‌کنم اگر تا سال بعد بودجه تأمین بشود، همین محدوده مراغه تا خود آزادراه پیامبر اعظم می‌تواند بهره‌برداری شود. در این مسیر، حدود ۱۳ کیلومترش در حوزه شهرستان مراغه است و بقیه‌اش مراغه تا ملکان است، ملکان تا مرز تمرچین متأسفانه در دولت قبل حذف شده بود که الان در حال رایزنی برای احیای این ردیف بودجه هستیم و وزارت راه مصمم است مکاناتی را با سازمان برنامه داشته باشد که مجدد ادامه این مسیر احیا و عملیات اجرایی آن شروع شود.

ا در پایان کدام نهاد در اتمام این پروژه تأثیر نهایی را دارد؟

درواقع مهم‌ترین نهادهایی که در این قضیه باید تلاش کنند مجلس و وزارت راه و شهرسازی است. البته تقدیر و تشکر می‌کنم از تلاش‌ها و زحمات همکاران و دوستان ما در وزارت راه و شهرسازی؛ همه پیمانکاران، مهندسان، مشاوران، کارگران و تمام مشارکت‌کنندگان در پروژه، بانک سپه و قرارگاه خاتم، خوب به هر حال این پروژه یکی از محورهای حیاتی توسعه شمال غرب کشور است و نقشی کلیدی درباره زیرساخت‌های ترانزیتی کشور دارد و به هر حال سرمایه‌گذاران یعنی همین سه‌تا مجموعه‌ای که عرض کردم، فقط یک مسیر ارتباطی را نمی‌سازند، بلکه اینها راهی به سوی توسعه، اشتغال، امنیت، حمل‌ونقل و رشد اقتصادی منطقه را فراهم می‌کنند. امیدوار هستیم و انتظار داریم با همت مضاعف خودشان، این پروژه به بهره‌برداری کامل برسد و زمینه‌ساز گام‌های بلندتر در مسیر پیشرفت کشور باشد. بانک سپه و قرارگاه که در کنار دولت محترم و وزارت راه قرار گرفتند، ان‌شاءالله ادامه مسیر را با سرعت بیشتری ادامه دهند و برای همه دست‌اندرکاران این پروژه آرزوی توفیق روزافزون و سلامتی دارم.

گزارش

سهم بخش خصوصی از اقتصاد فقط ۱۵ درصد

مشاور رئیس اتاق ایران با بیان اینکه سهم بخش خصوصی از کیک اقتصاد بسیار ناچیز است، گفت: در ایران، بخش خصوصی فقط ۱۵ درصد اقتصاد را در اختیار دارد، پس قدرت چانه‌زنی در مجلس و دولت را ندارد. به گزارش مهر، محمدرضا بهرامن، نایب‌رئیس اتاق ایران و ناظر راهبردی امور تشکل‌ها، روز گذشته در نشست مدیران، مسئولان و دبیران امور تشکل‌های اتاق‌های سراسر کشور که با حضور مشاور رئیس‌جمهور در امور تشکل‌ها و احزاب برگزار شد، اظهار کرد: تشکل‌ها خودجوش هستند، بنابراین شرایط ویژه‌ای دارند و می‌خواهند تفکر خود را به شکل یک کلونی دنبال کنند. در این بین باید ادعان کرد دولتی موفق است که از خدمات، تفکرات و ایده‌های تشکل‌ها بهره ببرد. دولتی که خود را از این حوزه محروم کند، بخش در‌خو‌ر توجهی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها را نادیده گرفته است. تشکل‌های اقتصادی، حرفه‌ای، صنفی و تخصصی هستند و باید از ایده‌های آنها بهره ببریم؛ هرچند دولت‌ها در سال‌های گذشته از ظرفیت‌های تشکلی استفاده کافی نبرده‌اند. پس باید پیاموزند چگونه از این ثروت پنهان بهره ببرند. پیام باقری، نایب‌رئیس اتاق ایران نیز در این نشست اظهار کرد: تشکل‌ها بستر مناسبی برای بهره‌مندی از تمام ظرفیت‌هایی هستند که در بخش‌های مختلف اقتصادی وجود دارند و همکاری آنها به نتیجه‌ای مستدل و کافی تبدیل می‌شود. تشکل‌های فعال در کشور یک‌دست نیستند و باید به همت مسئولان تشکل‌ها در اتاق‌ها این نقص برطرف می‌شود. تشکل‌هایی که رتبه‌های مناسبی ندارند باید ارتقا یابند. با آموزش و انتقال تجربیات موفق، امکان این ارتقا وجود دارد. او افزود: تشکل‌ها با کمک مدیران و مسئولان تشکل‌ها در اتاق‌ها باید هدایت شوند، هر‌استا و هم‌افزا در مسیر اولویت‌های اتاق‌ها قدم بردارند و در مقابل باید چالش‌های آنها را در اتاق ایران برطرف کنیم، در کنارشان باشیم و با کاهش موانع و حذف دیوارهای دیوان‌سالاری نهفته در فعالیت‌های اقتصادی، پاری‌رسان آنها باشیم. او با تأکید بر ضرورت خروج دولت از تصدی‌گری و تأکید رئیس‌جمهور بر اصل واگذاری امور اجرائی به بخش خصوصی، ادامه داد: بخش خصوصی از دولت می‌پرسد چرا همچنان اجرای رویه‌ادی مانند ایران‌اسکیو و دیگر همایش‌ها و نمایشگاه‌های تخصصی در دست دولت است. علت اینجاست که دولت علاقه‌مند به تصدی‌گری است. در بدن سخنان مقامات دولتی، نگاه ویژه‌ای نسبت به بخش خصوصی وجود دارد و این سخنان باید در مقام اجرا دیده شود. باقری تصریح کرد: دولت نظرات بخش خصوصی را در هر حوزه‌ای دریافت می‌کند. برای نمونه درباره ناترازی انرژی مطالعات گسترده‌ای در مرکز پژوهش‌های اتاق ایران انجام شده و نتایج آنها در اختیار رئیس‌جمهور قرار گرفته است. مهم این است به نظرات مشورتی بخش خصوصی توجه شود و اتاق ایران از کارکردهای خود فاصله نگیرد و اجازه پیدا کند در ارتباط مؤثر و مستمر با دولت، نقش آفرین باشد. ابوالفضل روغنی، مشاور رئیس اتاق ایران نیز در این نشست گفت: در مواقع خاص و در شرایطی که امروز ایران با آن مواجه است، دولت امکان پیگیری و حضور در برخی جایگاه‌ها را ندارد، در اینجا این مکان برای بخش خصوصی و اتاق ایران به عنوان نماینده بخش خصوصی کشور فراهم است. از سوی دیگر، ظرفیت قانونی تشکل‌ها می‌توانند به استاندارد ن در صحنه اقتصادی نقش‌آفرین باشند و از طرف دیگر اتاق ایران مکلف است کلیه تشکل‌های اقتصادی را ساماندهی کند؛ اما دولت حامی اتاق ایران نیست. او تأکید کرد: دولت باید تشکل‌ها را به رسمیت بشناسد و اجازه دهد اتاق ایران به عنوان تشکل تشکل‌ها، نقش خود را ادا‌غام، ساماندهی و توانمندسازی تشکل‌ها ایفا کند. متأسفانه همچنان جایگاه تشکل‌ها در جلسات دولتی و تصمیم‌گیری دیده نمی‌شود. به گفته روغنی، کاهش تصدی‌گری دولت، قانون است و هنوز روی اجرای آن موفق نبوده‌یم؛ چون به بخش خصوصی اعتماد نمی‌کنیم. برای نقش‌آفرینی تشکل‌ها باید فضا داده شود و آنگاه دولت مطالبه‌گر باشد. در ایران، بخش خصوصی فقط ۱۵ درصد اقتصاد را در اختیار دارد، پس قدرت چانه‌زنی در مجلس و دولت را ندارد. سهم بخش خصوصی از کیک اقتصاد بسیار ناچیز است. تشکل‌ها توان کمک به دولت را دارند، به شرط اینکه دولت دست خود را به دست بخش خصوصی بدهد و به او اعتماد داشته باشد.